



همه ما می توانستیم سیمرغ باشیم

بابک حقی

همه ما می توانستیم
سیمرغ باشیم

We could
all be a
Simorgh

Babak Haghi
بابک حقی

FEB 9TH - FEB 23TH ۱۴۰۳
۲۰ بهمن - ۴ اسفند
2024

AP+1/3

Printing with wood glue on brown cardboard

100X70 cm | 2022



بابک حقی طی بیش از ۱۲ سال فعالیت هنری در زمینه عکس و برگزاری نمایشگاه‌های متعدد انفرادی و گروهی، اکنون و در مجموعه جدید خود، رسانه عکس را وانهاده و آنچه این مجموعه را از سایر مجموعه‌های پیشین او متمایز می‌کند، روش چاپ دستی است که با استفاده از مواد مختلف روی مقوا و کاغذ به کار برده است. در واقع پرینت عکس و سپس چاپ دستی آن یک بار دیگر، روی مقوا یا کاغذ تأثیر فرمی و معنایی متفاوتی ایجاد می‌کند که ردپای گفته‌پرداز (۱) را دو بار در خود ثبت نموده است: یک بار در ثبت عکس و بار دیگر در چاپ دستی آن. در واقع اگر بخواهیم تحلیلی معنایی تنها با تکیه بر متن (در این یادداشت چاپ‌های دستی بابک حقی) داشته باشیم، ما تنها مفسران یا تحلیل‌گران حضور گفته‌پرداز در متن هستیم و نشانه‌های متنی ما همان ردپاهای انفصالی (۲) گفته‌پرداز است: بنابراین، در این مجموعه آنچه که در ادامه دلمشغولی‌های حقی است، مبحث تن (۳) می‌باشد، تن که به صورت مختلفی خود را نشان می‌دهد و یا ردپاهایی از حضورش را کشف می‌کنیم و اساس مجموعه نیز بر محوریت همین ردپاهاست: ردپاهایی از گفته‌پرداز و ردپاهایی از تن. تن در سایر مجموعه‌های حقی نیز بروزات متنوع و مختلفی داشته، اما این بار، تن در کنار چهره (۴) قرار گرفته و تناوب و دوگانه چهره/ تن ایجاد شده است. بر اساس همین تناوب و دو گانه است که ما تلاش خواهیم کرد به پرسش مرکزی حضور تن و چهره در این مجموعه بپردازیم. به نظر می‌رسد که تن به تصویر درآمده و یا به ظهور رسیده از طریق تکنیک چاپ دستی با هویت‌های برساخته و از پیش تعریف شده در تضاد کامل یا مدرج (۵) است و لذا هر بار مُدالیت (۶) یا فعل و عاملی بیرونی، موجب تکانه‌ای در تن و در نتیجه گسست هویتی آن می‌شود

۱ Enonciateur

مقصود از گفته‌پردازی به صورت کلی آن است که هر گفته نتیجه یک کنش گفته‌پردازانه است که می‌توان با تسامح آن‌را شیوه شخصی استفاده از زبان (کلامی یا غیر کلامی) در نظر گرفت

۲ Le débrayage

مقصود از انفصال گفته‌پردازانه یعنی افزودن بر گستره، زیرا با انفصال است که می‌توان در بنی‌هویت جهان دیگر سیر کرد، از من، اینجا و اکنون گسست. گفتنی است ما به انفصال دیگری دسترس نداریم و تنها از طریق متن می‌توانیم خطوط این انفصال و یا رد پای آن‌را دریابیم

۳ Le corps

۴ Le visage

۵ Graduel

۶ مُدالیت به صورت کلی به معنای حضور یک یا چند عنصر و یا یک گزاره است که با ورود به متن تصویری یا کلامی سایر گزاره‌ها یا عناصر را تغییر می‌دهد

در واقع با این گسست، گفته‌پرداز، هویت را در پرانتز نهاده و تمام پیش برداشت‌ها نسبت به هویت، تنانگی و جنسیت را به پرسشی مرکزی و حتی آمرانه کشانده و تبدیل می‌نماید. در باب چهره نیز شاهد هستیم که هر چهره در بیان ابتدایی یا فیگوراتیو (۷) بازنمایانگر هر چهره‌ای (چهره‌ای از هر کس) برای مخاطب می‌تواند باشد اما در ژرف‌ساخت (۸)، چهره، مفهومی بنیادین شده و تبدیل به ابژه‌ای شناختی برای بازشناسی هویت می‌گردد به نحوی که تنها از طریق چهره هست که می‌توان به سوی دیگری و حتی خود رفت و او و خود را شناخت (۹) بنابراین بُعد شناختی دارای برتری می‌شود: تن با ایجاد تعارض عاطفی، بار شناختی را بیشتر به چهره منتقل می‌نماید. گفتنی است تن‌های این مجموعه گسستی بنیادین از هویت تعریف شده و نهادن آن در پرانتز بوده و از طریق چهره به سوی هویت یافتن حرکت می‌کنند. اما هویت و گسست هویتی چگونه از طریق فرم بیان تن و چهره تولید معنا می‌کنند، پرسش مرکزی ما در یادداشت پیش روست. بایستی اذعان کرد، در این مجموعه، حرکت تن به سوی چهره و یا تبدیل آن به چهره، در پلان بیان (۱۰) بسیار آرام رخ داده و طیف‌های رنگی، برداشته شدن‌های اطراف مقوا و غیره شاهدهی بر این حرکت آرام و تدریجی اما مداوم هستند. با توجه به آنچه گفته شد در ادامه تلاش خواهیم کرد تا گونه‌های مختلف تن را بر اساس رویکرد نشانه-معنا شناسی مکتب پاریس تعریف کرده و به تن‌های چاپ شده بابک حقی بپردازیم، سپس به سوی ابژه شناختی‌ای به نام چهره رفته و چگونگی ساخت هویت از طریق چهره را توضیح می‌دهیم. استفاده از رویکرد نشانه-معناشناسی مکتب پاریس، در امتداد همان روند ماندن درون متن و چشم پوشیدن از فرامتن (۱۱) هاست و هدف از این نوشتار نشان دادن این نکته است که تن از طریق چهره جز حضور جسمانی، شیوه پاسخ ما به هستی و گاه برسازنده هویت است

سهراب احمدی
پژوهشگر هنر و ادبیات

۷ Figuratif

۸ در نشانه-معناشناسی مکتب پاریس، ادراک ابتدایی سطح فیگوراتیو بوده و ادراکات بعدی محرکه‌هایی در سطح شناختی، عاطفی و غیره هستند

۹ ر.ک دنی برتران، **در جستجوی معنا نگاهی نشانه-معناشناختی به مجموعه‌های تجسمی مهدی سحابی**، ترجمه مرضیه اطهاری نیک‌عزم و سهراب احمدی تهران: انتشارات موزه هنرهای معاصر تهران، ۱۴۰۱

۱۰ Le plan de l'expression

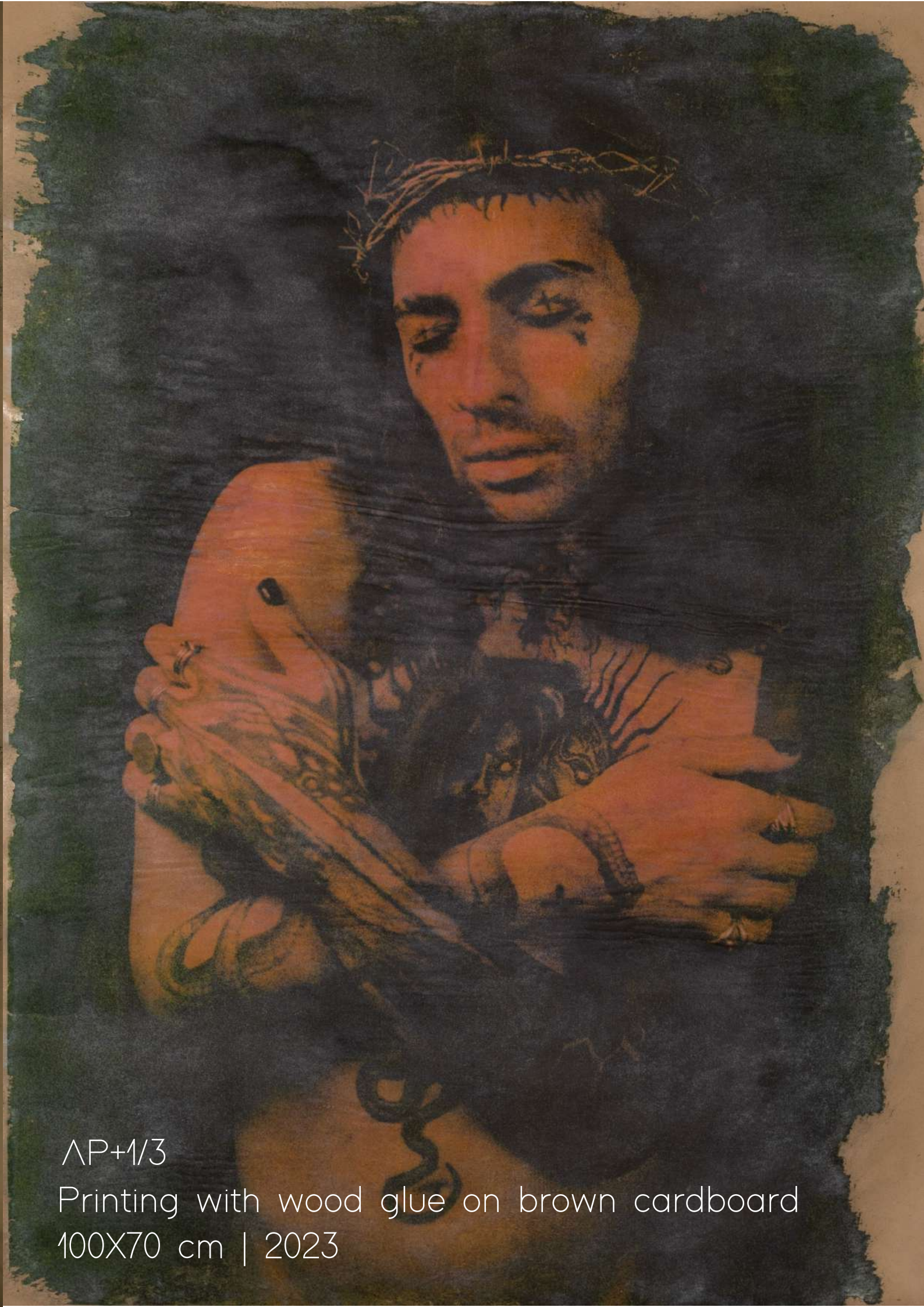
مقصود از پلان بیان در نشانه-معناشناسی سطح روئین و دیدنی یا خواندنی است که خود نشان از ساختی ژرف‌تر و بنیادین دارد

۱۱ Paratexte



AP+1/3

Printing with wood glue on brown cardboard
100X70 cm | 2022



AP+1/3

Printing with wood glue on brown cardboard
100X70 cm | 2023

بنیامین در پیشگفتار کتاب «خاستگاه سوگنامه‌های آلمانی» (۱۹۳۰) می‌نویسد: «نسبت ایده‌ها با ابژه‌ها، همچون نسبت صور فلکی با ستارگان است.» ستارگان با نظم خاص جهان کهکشانی با هم مرتبط‌اند در حالی که این نظم در تصویر صور فلکی وجود ندارد. با دیدن صور فلکی به هیچ دریافتی از نسبت‌های ابژکتیو بین ستارگان نمی‌رسیم و فقط با یک ایده تصویری از یک صورت فلکی سر و کار داریم. ایده‌ها نه قوانین حاکم بر ابژه‌ها را توضیح می‌دهند و نه مفهوم آن‌ها را، و نه دانشی نسبت به پدیدارها به ما عرضه می‌کنند. ایده‌ها همچون صورفلکی بی‌زمان‌اند و تنها در نظرگاه و با درخششی که به چشم می‌آیند قابل مشاهده‌اند. تصاویر بابک حتی نیز نسبت ایده و ابژه را به مخاطره می‌اندازد و بدین نحو ما را با امری گنگ و بی‌صدا مرتبط می‌سازد. همچون شیشه‌ای که چیزها را از خلال آن می‌بینیم، اما "خودش" را نمی‌بینیم. "خودش" را در حالی که به مفهومی خاص اقرار کند نمی‌بینیم. چهره‌هایی را می‌بینیم که در وضعیت سکوت و خاموشی به سر می‌برند و با کلامی بر زبان نیامده و سرانجامی تحقق‌نیافته، درد می‌کشند... چهره‌ها داغ ردها را بر جای می‌گذارند، در حالی که دچار لکنت‌اند؛ نه لکنتی از سر ناتوانی در ادا کردن چیزی، بلکه دچار شدن به ناتوانی و لکنتی که از آن درد کشیدن است؛ لکنتی به زبانی بیگانه درون زبانی مائوس. گویی چهره‌ها لکنت و بیگانگی را درون از آن خویش‌ترین پاره‌ی زندگی؛ از درون تن تجربه می‌کنند. تصاویر نه تنها در صدد بازنمایی بدن و چهره نیستند، بلکه برعکس، بازنمایی را به تعلیق می‌کشند. بدن عریان و تهیدست نه چیزی از میان چیزهاست که دانشی را بر ما عرضه کند و نه ابزاری برای اندیشه به سوی یک امری غایی. بدن عریان و تهیدست ارجاع مداوم است به رد. به ردهایی که عناصری از تهدید و ناامنی را آشکار می‌کنند. بسیاری از تصاویر بابک حتی را می‌بینیم که بدن توسط خود بدن یا دست‌ها لمس می‌شود. گویی بدن به نحو دوگانه‌ای درک می‌شود: هم لمس کننده و هم لمس شونده. وضعیتی تهدید آمیز و مضاعف هم به عنوان دستی که قصد دارد کیفیت‌هایی حسی را منتقل کند و هم به عنوان بدنی که مورد تهدید لمس دست است بر پوست و گوشت و استخوانش. با این وجود، دیدن لمس کردن، مشاهده‌ای از جنس آگاهی از چیزی نیست. ما نمیتوانیم دریابیم که خاستگاه قصدیت لمس کردن چیست. بدن تهیدست از قلمروی بیرون از قصدیت و مادیت‌اش سخنی خاموش می‌گوید و همزمان ما را می‌آشوبد. از آن جایی که هیچگاه تمام و کمال به بیان در نمی‌آید و همیشه پس مانده‌ای، لکه‌ای، یا مازادی از خودش بر جای می‌گذارد و این‌گونه لکنتی از سر تهدید و ناامنی به ما نیز سرایت می‌کند.

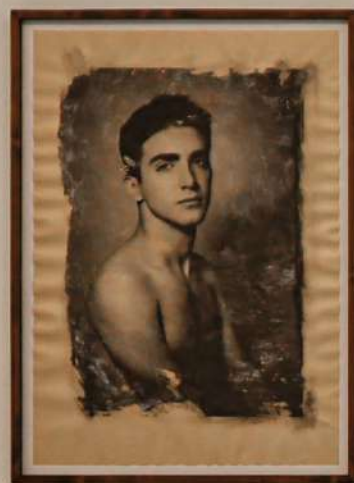
دکتر صفا سبطی
نویسنده و پژوهشگر



unique

Cyanotype on brown cardboard

59X5/47 cm | 2023



بابک حقی، عکاس و هنرمند تجسمی ایرانی، در نمایش انفرادی جدیدش، ما را به دنیای قدرتمند تصاویرش دعوت می‌کند. تصاویری که سکوت‌شان را چنان آشکارا اما آرام، بی‌صدا اما بلند می‌شکنند. نگاه‌های مداوم هنرمند پشت دوربین و نگاه‌های مدل‌های او جلوی دوربین، در نهایت به حالت مراقبه‌ای از ماندگاری معنوی می‌رسد.

چه در ادبیات کلاسیک و چه در ادبیات مدرن فارسی نام سیمرغ، پرنده اسطوره‌ای ایرانی به چشم می‌خورد. از همان قرن دوازدهم، فریدالدین عطار، شاعر صوفی ایرانی، درباره پرندگان زائر جهان می‌نویسد که در جستجوی پادشاه خود هستند چرا که از آن محروم‌اند. هر یک از آن پرندگان نماینده یک اشتباه انسانی است که او را از تجربه روشنگری باز می‌دارد. در نهایت آن سی پرنده محل سکونت سیمرغ را پیدا می‌کنند: دریاچه ای که در آن انعکاس خود را می‌بینند. سیمرغ در تصوف استعاره از خداوند است.

بابک حقی اصالت مدل‌های کاریزماتیک منتخب خود را با کیفیتی تقریباً الهی در مقابل دوربین به تصویر می‌کشد. این تصاویر بعداً در استودیوی خانگی او از طریق چاپ سیانوتایپ، چاپ وندایک، چاپ نمک و چاپ با چسب چوبی پردازش می‌شوند. در نتیجه ما چاپ عکس‌های جایگزینی را داریم که با صداقت قدرتمند خود در تمام حواس ما نفوذ می‌کنند.

چند قرن پس از شاعر صوفی ایرانی، داستان قدرتمند دیگری در انگلستان ساخته شد، رمان «اورلاندو: یک بیوگرافی» که توسط ویرجینیا وولف در سال ۱۹۲۸ نوشته شد. داستان ما را درگیر ماجراجویی‌های شاعری می‌کند که جنسیت خود را از مرد به زن تغییر داده‌است. او قرن‌ها زندگی می‌کند و با چهره‌های کلیدی تاریخ ادبیات انگلستان ملاقات می‌کند. همه چیز در دوران الیزابت آغاز می‌شود، زمانی که ملکه الیزابت اول کمی قبل از مرگش به نجیب‌زاده جوانی به نام اورلاندو دستور می‌دهد که علیرغم کشمکش با عشق و جایگاهش در جهان، پژمرده و پیر نشود. این طولانی‌ترین و جذاب‌ترین نامه عاشقانه در ادبیات است که توسط ویرجینیا وولف نویسنده به دوست و معشوقه‌اش ویتا ساکویل وست نوشته شده‌است. وولف در آن نامه ویتا را داخل و خارج قرون واری می‌کند و او را از جنسیتی به جنسیتی دیگر تغییر می‌دهد در حالی که با او بازی می‌کند و در عین حال پرده ای از رمز و راز را بر سر او می‌گذارد.

این گفت‌وگو میان معنویت داستان قرن دوازدهم و پرده رمز و راز داستان قرن بیستم، به زیبایی در هر یک از روایت‌های بصری فراموش‌نشده‌ی هنر بابک حقی در هم می‌آمیزد. به نظر می‌رسد که مدل‌های او قهرمانان واقعی دنیای امروز هستند که همواره بین دنیای دیروز و فردا در حال کشمکش هستند. فرقی نمی‌کند که چهره منعکس‌شده بر سطح دریاچه باشد یا جوانی حفظ شده در طی قرن‌ها، در هر دو حال آثار بابک حقی بر اهمیت فردیت به واسطه یگانگی معنوی که وابسته به قلمروی بالاتر آگاهی – الوهیت درون خودمان – است، تأکید می‌کند. تأثیر تصاویر او که عملاً جنبه درمانی دارد، حاکی از امکان داشتن جهانی بهتر است، جایی که اثری از قضاوت، ارزیابی، نکوهش و مهم‌تر از همه ترس و حتی مهم‌تر از آن ترس از ترس دیده نمی‌شود.

بابک حقی مأموریت دارد موانعی را که قرن‌ها ترس انسان از نقص ایجاد کرده بود، بردارد، موانعی که وقتی پذیرفته نمی‌شوند، اغلب به عیب‌های خطرناکی تبدیل می‌شوند، همانطور که آن سی پرنده در شعری از قرن دوازدهم بازنمایی می‌کنند. نه قرن بعد، چیزی تغییر نکرده است.

هنر همچنان وسیله تلاش انسان برای ورود به حالت امید خالص در رسیدن به نسخه‌ای بهتر از خودمان است.

سخنان آلن دو باتون در کتاب «هنر همچون درمان» این ایده را خلاصه می‌کند که نه تنها هنر منعکس کننده زندگی است، بلکه در واقع انعکاس زندگی در هنر نیز اهمیت دارد:

«ما باید برای دستیابی به چیزهایی که هنر صرفاً نماد آن است، مبارزه کنیم، هرچند مهربانانه و با دقت. هدف نهایی هنردوستان باید ساختن جهانی باشد که در آن آثار هنری کمی کمتر ضرورت داشته باشند.»

به امید آنکه این نوع تداوم منجر به نسخه بسیار بهتری از ماندگاری در طبیعت انسان شود.

نویسنده: میلوس سوفرنویچ

AP+3/5

Printing with wood glue on brown cardboard

33X23 cm | 2020



unique

Cyanotype on brown cardboard

50X70 cm | 2023

Iranian photographer and visual artist Babak Haghi invites us, in a new solo exhibition, to his powerful world of images that speak out their silences so vividly but calmly and so quietly but loudly. Persistent gazes of the artist behind the camera and those of his models in front of the camera .attain as a result a meditative state of spiritual Permanence

One finds in both classical and modern Persian literature the name of Simorgh, a mythical Persian 12th century an Iranian Sufi poet Farid ud-Din Attar writes about a pilgrim birds of bird. As early as the world in search of their king, as they have none. Each of those birds represent a human fault which prevents man from experiencing enlightenment. In the end that group of thirty birds find a dwelling place of Simorgh, a lake in which they see their own reflections. Simorgh is a metaphor for .God in Sufi mysticism

Babak Haghi captures the authenticity with an almost divine quality of the chosen charismatic models in front of his camera, whose images are further on processed in his home studio via Cyanotype print, Vandyke print, Salt print and Print with wooden glue. As a result we have the .alternative photo prints that cut deep with their powerful sincerity into all our senses

Few centuries after the Iranian Sufi poet, another powerful story was produced in England, a novel The story takes us through the adventures 1928 "Orlando: A Biography", written by Virginia Woolf in of a poet who changes sex from man to woman and lives for centuries, meeting the key figures of English literary history. It all begins in the Elizabethan era, when shortly before her death Queen Elizabeth I commands a young nobleman named Orlando not to fade or grow old, despite the struggles with love and his place in the world. It is the longest and most charming love letter in literature, from the author Virginia Woolf to her friend and lover Vita Sackville-West, in which she explores Vita, in and out of the centuries, moving her from one sex to the other, while playing with .her and putting at the same time a veil of mystery over her

20th century 12th century story and veil of mystery of This dialogue between the spirituality of the story, beautifully merges together in each and one of the unforgettable visual narratives of the art of Babak Haghi. Seems like his models are the real Heroes of today's world which is always struggling between the world of yesterday and the world of tomorrow. Whether there are facial reflections in the lake or preserved youth across the centuries, Babak Haghi's work underlines the importance of individuality through spiritual uniqueness affiliated with a higher realms of consciousness - the Divinity within ourselves. The almost therapeutic effect of his images suggests a possibility of a better world in which there is no judging, evaluation, condemnation and above all .there is no fear and even one level higher - there is no fear of fear

Babak Haghi has a mission to remove the obstacles created by centuries of human fear of imperfections that when not accepted often become dangerous faults, as represented by those thirty 12th century. Nine centuries later nothing much has changed birds in a poem from a

Art is still a vehicle of human attempt to enter a state of pure hope for a better version of .ourselves

The words of Alain de Botton in his book "Art as Therapy" summarise this idea of not only art :reflecting life, but actually the importance of life reflecting art

We should fight to attain in reality the things art merely symbolises, however graciously and intently.” The ultimate goal of the art lover should be to build a world where works of art have become a .“little less necessary

Hopefully that kind of Persistence will lead towards a much better version of Permanence in Human Nature

Milos Sebastian Sofrenovic



AP+1/5

Printing with wood glue on brown cardboard
33X23 cm | 2020



unique

Vandyke print on Handmade cotton paper
32X24 cm | 2020

.(1930) In the preface of his book, *The Origin of German Tragic Drama* Benjamin states, "Ideas are to objects as constellations are to stars." Stars are interconnected in the specific order of the cosmic world, while this order does not exist in the representation of constellations. When observing constellations, we do not gain any understanding of the objective relationship between stars, instead we only engage with the visual concept of the constellations. Ideas do not elucidate the laws governing objects, their meaning, or provide us with knowledge of any phenomena. Like constellations, ideas are timeless and can only be observed from a perspective and through the brilliance that meets the eye

Babak Haghi's images also challenge the relationship between idea and object, connecting us with something ambiguous and silent. Like a glass through which we see things but do not see the glass "itself". We do not see "itself" admitting to a specific concept. We observe expressions of pain in silent faces, their fates unfulfilled without a word spoken. Faces bear the marks of burn while stuttering, not due to incompetence in expressing something, but because of experiencing pain; a stutter in an unknown language within a familiar language. It is as if faces experience stuttering and alienation within the most familiar aspects of life, within the body. The images do not attempt to represent the body and face; instead, they suspend the representation. The bare and empty-handed body is neither a thing among things offering us knowledge nor is it a tool for contemplating a transcendent matter. The naked and empty-handed body constantly refers to imprints that reveal elements of threat and insecurity

In many of Babak Haghi's images, the bodies are depicted as being touched by other bodies or hands. It is as if the body is understood in two ways: as a toucher and as being touched. The situation is threatening and intensified as a hand intends to transfer sensory qualities while a body feels threatened by the touch of the hand on its skin, flesh, and bones. However, witnessing the act of touching is not a state of observing awareness about something. The origin of the intention behind the touch is beyond our grasp. The empty-handed body silently communicates beyond the realm of intention and materiality, simultaneously unsettling us. Since it never fully expresses itself, always leaving behind a stain, a remnant of itself, this kind of stuttering, born out of threat and insecurity, also prevails within us

Dr. Safa Sebt
Author and Researcher

unique

Printing with wood
glue on brown cardboard

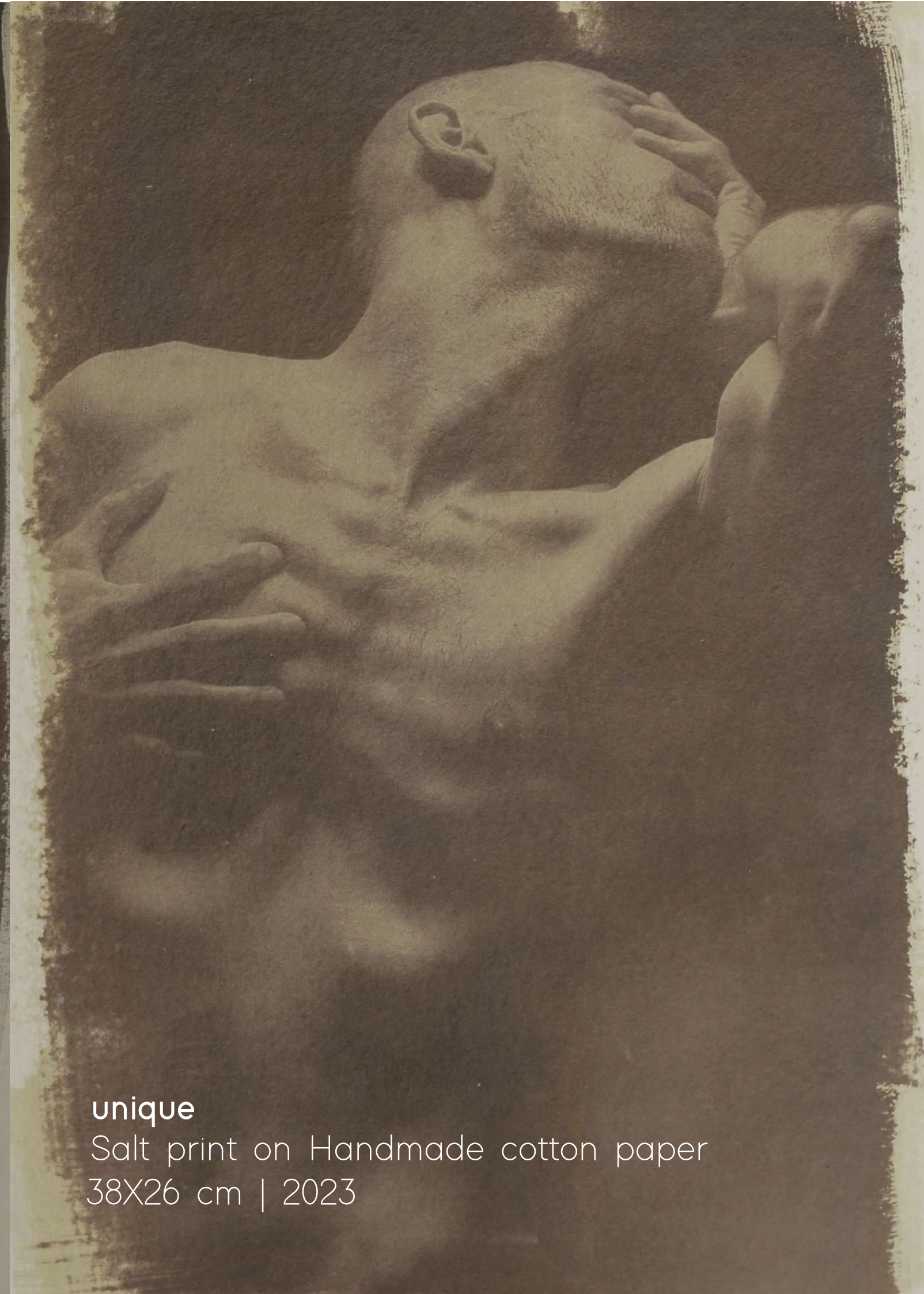
70X50 cm | 2020





unique

Vandyke print on Handmade cotton paper
57X38 cm | 2024



unique

Salt print on Handmade cotton paper
38X26 cm | 2023

Face: a Response to the World

A Semio-Semantic Reflection on Babak Haghi's Printmaking

Author: Sohrab Ahmadi, Art and Literature Researcher

years of artistic activity in photography and the organization of various solo and group 12 With over shows, Babak Haghi presents a new collection in which he diverges from the medium of photography. What sets this collection apart from his previous works is the utilization of printmaking on cardboard and paper, employing different materials. The distinctive feature of this collection lies in the manual printing process, where the photograph undergoes a dual printing, first on photographic paper and then manually transferred onto cardboard or paper. This dual process twice: first imparts a unique formal and semantic impact, capturing the trace of the enunciator¹ within the photograph and again in the printmaking

In essence, based on a semantic analysis focused solely on the text (Babak Haghi's Handprints), we function as commentators or analysts of the enunciator's presence in the text. Our signs in the traces of the enunciator. Consequently, the central theme of this text represent the detached² aligning with Haghi's recurrent thematic concerns. The body reveals itself in ,collection is the body³ diverse forms as we encounter traces of its presence. The collection revolves around the traces of the enunciator and the body. While the body has taken various forms in Haghi's previous establishing a duality of face/body. It is upon ,collections, this time, it is juxtaposed with the face⁴ this duality that we attempt to address the central question of the presence of the body and face .in this collection

It appears that the body, as portrayed or emerged through the technique of printmaking, is at odds with constructed and predefined identities. Consequently, external complete or gradual⁵ or actions generate impulses in the body, leading to an identity rupture. With this modalities⁶ rupture, the enunciator places identity in parentheses, challenging and transforming all preconceived notions about identity, body, and gender into a central and even authoritative question. Regarding the face, we also observe that while each one in its initial or figurative⁷ the face becomes a ,expression can represent any face for the viewer, in its deep structure⁸ fundamental conceptual representation and transforms into a cognitive object for identity recognition. Only through the face can one move toward others and even

¹Énonciateur

The underlying meaning of enunciating implies that each statement results from of an act of .enunciation, representing a personalized utilization of language whether verbal or non-verbal

²Le débrayage

Enunciating detachment involves broadening the scope, as it is through separation that one can traverse infinitely in other reals, distancing oneself from the notion of "I", "here", and "now". It is crucial to emphasize that we lack access to the detachment experienced by others, and only through textual analysis can we discover the lines of this separation or its traces

³Le corps

⁴Le visage

⁵Graduel

⁶Modality, in a general sense, denotes the presence of one or more elements or statements that alter other statements or elements upon their integration into the visual or verbal text

⁷Figuratif

⁸In the semio-semantic studies of the Paris School, initial perception happens at the figurative level, and the subsequent perceptions involve stimuli at cognitive, emotional, and various other .levels

therefore, the cognitive dimension takes ;oneself, recognizing them and oneself¹ precedence: by creating emotional conflicts, the body transfers the cognitive burden more .toward the face

It should be mentioned that the body in this collection is defined as a fundamental rupture from identity and is placed in parentheses. It is through the face that the body moves toward finding its identity. Nevertheless, how identity and the dissociation of identity produce meaning through the expression form of the body and face is the central question of this note. It must be acknowledged that, in this collection, the movement of the body toward the face, or its transformation into a face, occurs very The color spectrums, the removals around the .slowly in the plane of expression² cardboard, etc., are evidence of this gradual yet continuous movement. Based on the semio-semantic approach of the Paris School, we attempt to define different body types in the continuation of the text and discuss Babak Haghi's handprinted bodies. We will then address a cognitive object called the face, explaining how identity is constructed through the face. The use of the Paris School's semio-semantic approach aligns with the The aim of .process of staying within the text and disregarding extratextual elements³ this text is to demonstrate that the body, through the face, is not just a physical presence but a way of responding to existence and sometimes reconstructing the .identity

See DenisBertrand In Search of Meaning, a Semio-Semantic Analysis of Mehdi 9 Sahabi's Visual Artworks, translated by Marzieh Athari Nikazam and Sohrab Ahmadi, Tehran: Tehran Museum of Contemporary Arts Publications2022

¹⁰Le plan de l'expression

The plane of expression, in semio-semantics, conveys the visible and readable level, showcasing a deeper and foundational structure

¹¹Paratexte

info@
yafteh
.art

www
yafteh
.art

021
22
54
46
48

Number 8,
Taleghani Dead End,
Yarmohammadi St,
Daroos,

Tehran,
IRAN

دروس، خیابان یار محمدی،
بن بست طالقانی، پلاک ۸

AP+1/1
Printing with wood glue on brown cardboard
44/5X33 cm | 2020





We could all be a Simorgh

Babak Haghi